



هوش مصنوعی برای وکلا: چگونه AI ارزش می‌آفریند، تخصص را تقویت می‌کند و مسیر حرفه‌ای وکلا را دگرگون می‌سازد؟

این سند به بررسی نقش هوش مصنوعی در تحول حرفه حقوق می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه AI نه تنها ابزاری برای افزایش کارایی است، بلکه فرصتی برای بازتعریف ارزش‌آفرینی، تقویت تخصص و ایجاد مسیرهای شغلی جدید در دنیای حقوق است.

چطور وکلا نگرانی‌شان درباره AI را کنار گذاشتند و با آن دوست شدند

فصل با داستان سایمون، شریک یک مؤسسه حقوقی، شروع می‌شود؛ کسی که تصور می‌کرد رابطه طولانی‌مدت با یک مشتری بزرگ برای حفظ همکاری کافی است، اما متوجه شد رقبا با استفاده از هوش مصنوعی کار را سریع‌تر، دقیق‌تر و ارزان‌تر انجام می‌دهند و همین مزیت باعث شده پیشنهادهای رقابتی‌تری ارائه کنند. این تجربه نشان می‌دهد اتکا به روش‌های سنتی و روابط شخصی، دیگر برای حفظ مشتریان بزرگ کافی نیست.

تعریف پویای AI

کتاب توضیح می‌دهد که تعریف هوش مصنوعی محدود و ثابت نیست؛ با پیشرفت فناوری، کارهایی که زمانی «هوش مصنوعی» محسوب می‌شدند، اکنون عادی به نظر می‌رسند.

کاربردهای عملی

در حقوق در حوزه‌هایی مانند بررسی AI اسناد، تحقیق حقوقی، تحلیل داده و پیش‌بینی نتایج دعاوی استفاده می‌شود و هدف آن جایگزینی وکیل نیست، بلکه کاهش کارهای تکراری است.

غلبه بر مقاومت

نویسندگان اشاره می‌کنند که تردید و مقاومت نسبت به فناوری در میان وکلا رایج است و نگرانی‌هایی مانند امنیت، دقت ابزارها و هزینه پیاده‌سازی مطرح می‌شود.

با این حال، تجربه بازار نشان می‌دهد مؤسساتی که از AI استفاده کرده‌اند، توانسته‌اند کار را سریع‌تر، دقیق‌تر و با هزینه کمتر انجام دهند. کتاب توضیح می‌دهد که بسیاری از ابزارهای AI نیازمند سفارشی‌سازی هستند و نتایج بهتر زمانی حاصل می‌شود که مدل‌ها با داده‌ها و تجربه خود وکلا تغذیه شوند. در پایان فصل، نویسندگان تأکید می‌کنند که توجیه اقتصادی استفاده از AI واضح است: بهره‌وری بیشتر، کیفیت بالاتر و ارزش اقتصادی بهتر برای مشتریان.

چگونه کار مؤثرتر، کار حقوقی بیشتری ایجاد می‌کند

فصل با رؤیای ترسناک آلیسا آغاز می‌شود؛ وکیل جوانی که در خواب می‌بیند ربات‌ها جای او را گرفته‌اند. نویسندگان توضیح می‌دهند که این نگرانی رایج است، اما واقعیت متفاوت است: AI قرار نیست وکلا را حذف کند، بلکه شیوه کار را تغییر می‌دهد و امکان انجام کارهای مهم‌تری را فراهم می‌کند.

پارادوکس ژیونس در حقوق

کتاب با اشاره به «پارادوکس ژیونس» توضیح می‌دهد که کارایی بیشتر موجب کاهش کار نمی‌شود، بلکه باعث افزایش آن می‌شود. همان‌طور که ابزارهای کارآمدتر در صنایع دیگر مصرف و تقاضا را بالا برده‌اند، در حقوق نیز افزایش سرعت و کاهش هزینه باعث می‌شود شرکت‌ها و مشتریان کارهای بیشتری را که قبلاً انجام نمی‌دادند، انجام دهند.

ارزش از دید مشتری

فصل توضیح می‌دهد که «ارزش» از نگاه مشتری تعیین می‌شود. کارهایی که پیش‌تر گران، زمان‌بر یا عملاً غیرممکن بودند، با کمک AI قابل انجام می‌شوند و همین موضوع سبب افزایش تقاضاست.

صرفه‌جویی و رشد

نویسندگان نشان می‌دهند که صرفه‌جویی ۶۰٪ در یک بخش یا ۱۵٪ در بخش دیگر باعث نمی‌شود نیاز به وکلا کمتر شود؛ بلکه باعث ظهور پرونده‌ها، تحلیل‌ها و بررسی‌هایی می‌شود که پیش از این مقرون‌به‌صرفه نبودند.



دسترسی به عدالت: با کاهش هزینه‌ها و ساده‌تر شدن فرایندها، خدمات حقوقی برای گروه‌های بیشتری قابل دسترس می‌شود. فناوری این امکان را ایجاد می‌کند که کارهای بیشتری با کیفیت بهتر انجام شود و موانع مالی یا زمانی کمتری وجود داشته باشد.

کتاب نتیجه می‌گیرد که کارایی بالاتر نه تنها کار را کم نمی‌کند، بلکه فرصت‌های تازه‌ای در بازار ایجاد می‌کند و همین امر توجیه اقتصادی قوی برای استفاده از AI است.

ذهنیت وکلای کوچک: استفاده از AI واقعاً به صرفه است؟

فصل سوم توضیح می‌دهد که هرچند وکلای شاغل در مؤسسات بزرگ و کوچک با مسائل حقوقی مشابهی سروکار دارند، اما مدل کسب‌وکار آنها کاملاً متفاوت است. مؤسسات بزرگ معمولاً برای شرکت‌های عظیم کار می‌کنند و ساختارهایی مانند RFP و تیم‌های IT و داده دارند؛ درحالی‌که مؤسسات کوچک و وکلای مستقل باید علاوه بر کار حقوقی، نقش‌هایی مانند بازاریابی، مدیریت، عملیات و حتی پشتیبانی فنی را نیز خودشان بر عهده بگیرند.

عملی‌بودن فناوری

فصل توضیح می‌دهد که وکلای مؤسسات کوچک همیشه امکان پذیرش سریع فناوری را ندارند. برخلاف مؤسسات بزرگ که تیم IT دارند و داده کافی برای توجیه هزینه‌ها در اختیارشان است، دفاتر کوچک باید ابزارهایی را انتخاب کنند که «از همان ابتدا» ارزش عملی داشته باشند.

قدرت رقابتی با AI

کتاب توضیح می‌دهد که AI و ابزارهای فناوری در کوچک‌ترین مؤسسات نیز به‌کار گرفته می‌شود و می‌تواند قدرت رقابتی ایجاد کند. نمونه‌هایی مانند فناوری‌های TAR در eDiscovery، نرم‌افزارهای تحلیل قرارداد و ابزارهای هوش مصنوعی در تحقیق حقوقی باعث شده‌اند وکلای کوچک بتوانند کارهایی انجام دهند که قبلاً نیازمند تیم‌های بزرگ بود.

واقعیت مؤسسات کوچک

متن اشاره می‌کند که بیش از نیمی از وکلای آمریکا در این گروه «solo» و «small firm» هستند و با محدودیت‌های عملی و مالی بیشتری روبه‌رو هستند.

به بیان کتاب، فناوری در این گروه زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که «به اندازه کافی پیش‌پا افتاده» شده باشد—آن قدر که به صورت طبیعی وارد کار روزمره شود، درست مثل تلفن همراه که امروز همه آن را بدون فکر استفاده می‌کنند.

سوال اصلی: این ابزار چه کمکی به من می‌کند؟

فصل همچنین تأکید می‌کند که دغدغه اصلی مؤسسات کوچک «عملی بودن» است. آنها معمولاً به دنبال ابزارهایی نیستند که رقابت عمومی را متحول کند؛ بلکه می‌پرسند «این ابزار چه کمکی به من می‌کند؟». مثال‌هایی مانند ابزار CARA از Casetext نشان می‌دهد چگونه یک قابلیت ساده و مستقیم—آپلود متن و دریافت فهرست پرونده‌های مرتبط—می‌تواند با پشتیبانی یادگیری ماشین ارزش قابل‌توجهی ایجاد کند.

در پایان، کتاب نمونه‌هایی از نوآوری واقعی در دفاتر کوچک را مطرح می‌کند، مانند شرکت Counter Tax که با ترکیب وکلا، ریاضی‌دانان و مهندسان نرم‌افزار ابزار اختصاصی خود را ساخت و نشان داد حتی یک تیم کوچک هم می‌تواند با ساخت فناوری مناسب، مسیرهای کاملاً جدیدی ایجاد کند.

هوش مصنوعی: آفریننده شغل‌های جدید در حقوق

فصل چهارم توضیح می‌دهد که همان‌طور که در فصل گذشته مطرح شد، افزایش کارایی لزوماً به کاهش کار منجر نمی‌شود. نویسندگان این پدیده را «پارادوکس ژیونس قانونی» می‌نامند و توضیح می‌دهند که پیشرفت‌های فناوری نه تنها کار را کم نمی‌کنند، بلکه موجب ایجاد فرصت‌های شغلی جدید می‌شوند.



Legal Operations

بخش بعدی بر «Legal Operations» تمرکز دارد و توضیح می‌دهد که چگونه گروه CLOC چارچوبی با عنوان «Core 12» ارائه کرده است. این چارچوب نشان می‌دهد که اداره یک واحد حقوقی مدرن مثل اداره یک کسب‌وکار است.



تحلیلگران داده حقوقی

این امر باعث ایجاد نقش‌هایی مانند مهندسان دانش حقوقی، تحلیلگران داده حقوقی، متخصصان اتوماسیون اسناد و مدیران نوآوری شده است.

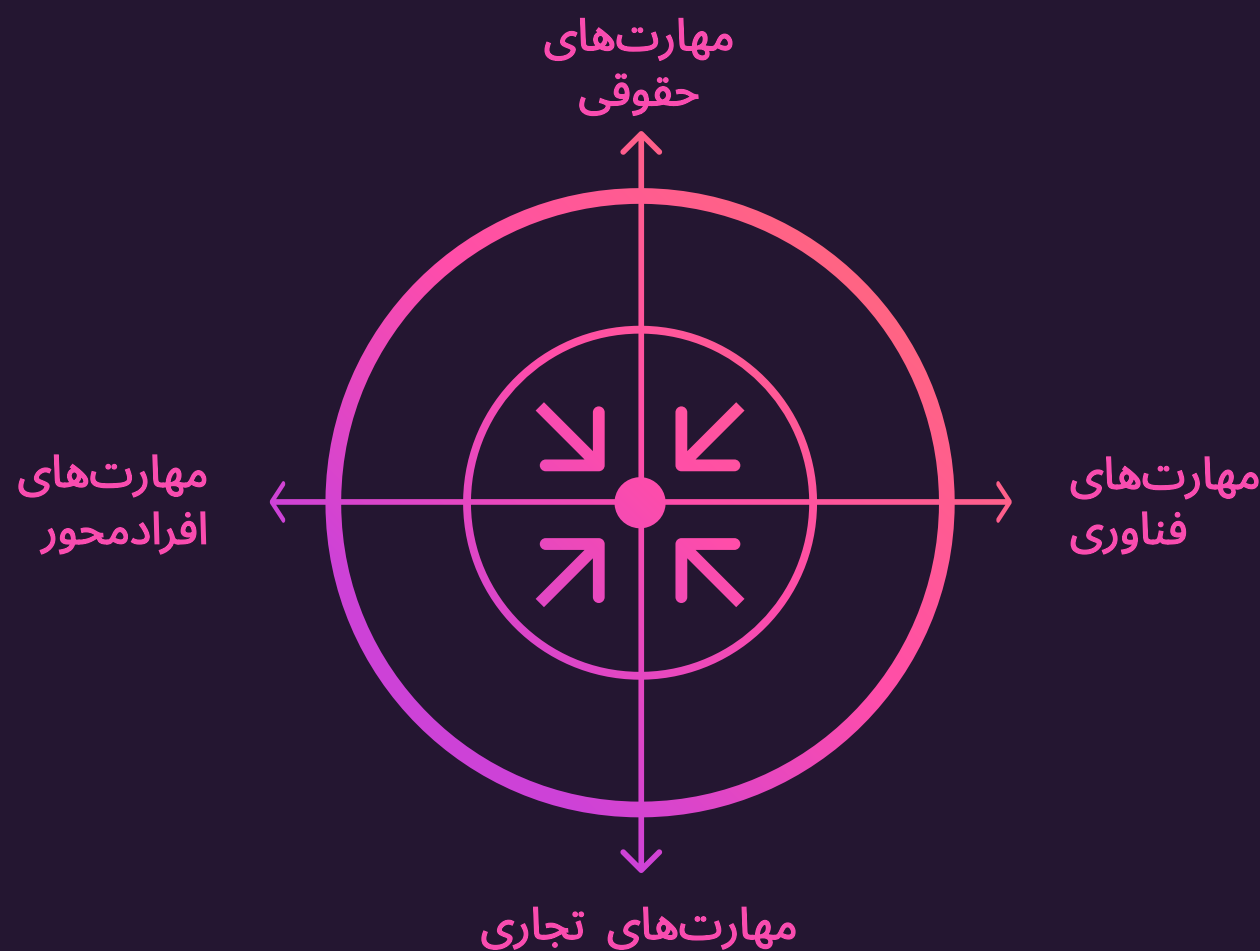


مهندسان دانش حقوقی

کتاب توضیح می‌دهد که با گسترش ابزارهای AI، مجموعه‌ای از شغل‌های جدید در حوزه حقوق به وجود آمده است. فناوری‌های پیچیده مانند یادگیری ماشین، تحلیل داده، اتوماسیون و سیستم‌های خبره، نیازمند افرادی هستند که بتوانند آن‌ها را پیاده‌سازی، مدیریت و بهبود دهند.

فرصت‌های شغلی در شرکت‌های فناوری حقوقی

فصل توضیح می‌دهد که علاوه بر شغل‌های ایجادشده در داخل دفاتر حقوقی، تعداد زیادی فرصت شغلی جدید در شرکت‌های فناوری حقوقی به وجود آمده است. شرکت‌هایی که ابزارهای AI می‌سازند—در حوزه‌هایی مثل eDiscovery، تحقیقات حقوقی، مدیریت قرارداد، مدیریت دانش و تحلیل قضایی—به اندازه قابل‌توجهی وکلا، متخصصان فناوری، دانشمندان داده و طراحان تجربه کاربری استخدام می‌کنند.



در پایان، کتاب جمع‌بندی می‌کند که AI موجب از بین رفتن مشاغل حقوقی نمی‌شود، بلکه ارزش‌آفرینی را تغییر می‌دهد و فرصت‌های شغلی گسترده‌ای ایجاد می‌کند—فرصت‌هایی که پیش از این وجود نداشتند. فناوری نه تنها مشاغل جدید خلق کرده، بلکه کیفیت زندگی وکلا را بهبود داده و مسیرهای شغلی تازه‌ای خارج از مسیرهای سنتی ارائه کرده است.

تقویت تخصص حقوقی با AI: از مشاوره فردی تا خدمات گسترده

فصل پنجم با این ایده آغاز می‌شود که هوش مصنوعی می‌تواند «تجربه و مهارت حقوقی» را بزرگ‌تر و مؤثرتر کند؛ مشابه کاری که فناوری با موسیقی انجام داد و هنرمندان را قادر ساخت صدای خود را فراتر از یک اجرا منتقل کنند. نویسندگان توضیح می‌دهند که AI می‌تواند تخصص وکیل را در قالب الگوها و مدل‌هایی ذخیره کند و آن را بارها و بارها تکرارپذیر سازد، بدون اینکه نیاز باشد وکیل همان کار را مکرراً انجام دهد.

01

نمونه‌های کافی و متنوع

کتاب تأکید می‌کند که کیفیت نتایجی که AI ارائه می‌دهد مستقیماً به کیفیت داده‌ها و آموزش آن وابسته است. سیستم باید نمونه‌های کافی و متنوع دریافت کند.

02

بررسی و اصلاح توسط متخصص

خروجی‌ها باید توسط متخصص بررسی و اصلاح شوند تا دقت سیستم افزایش یابد.

03

تلاش جمعی

فرایند آموزش یک تلاش جمعی است و بهترین نتایج زمانی حاصل می‌شود که چند وکیل روی تعریف مفاهیم و الگوها توافق کنند.

تبدیل دانش فردی به دارایی سازمانی

در این فصل، بحث دیگری درباره ارزش سازمانی نیز مطرح می‌شود. وقتی یک وکیل در جریان آموزش AI تخصص خود را در قالب مدل‌ها وارد سیستم می‌کند، این دانش از سطح فردی به دارایی شرکت تبدیل می‌شود. در واقع، AI امکان می‌دهد مهارت‌های یک وکیل در غیاب او نیز استفاده شود و این موضوع برای مؤسسات حقوقی مزیت رقابتی ایجاد می‌کند.



کتاب اشاره می‌کند که این نوع «دارایی دانشی» حتی می‌تواند در بلندمدت بخشی از ارزش‌گذاری کل شرکت باشد.

در بخش پایانی، نویسندگان به این مسئله می‌پردازند که آیا افزایش توان AI محدودیتی دارد یا خیر. کتاب توضیح می‌دهد که AI می‌تواند دامنه مشخصی از وظایف—به‌خصوص وظایف تکراری یا مبتنی بر الگو—را با دقت بالا انجام دهد، اما همچنان نیازمند قضاوت انسانی است. سیستم‌های هوشمند تنها در محدوده‌ای که برای آن‌ها تعریف شده عمل می‌کنند و توانایی انجام تفسیرهای پیچیده یا تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را ندارند.

اخلاق استفاده و عدم استفاده وکلا از هوش مصنوعی

فصل ششم به موضوع «اخلاق حرفه‌ای» در استفاده و عدم استفاده وکلا از هوش مصنوعی می‌پردازد. نویسندگان توضیح می‌دهند که بسیاری از وظایف اخلاقی وکلا—مانند امانت‌داری، رازداری، صلاحیت حرفه‌ای و نظارت—در مواجهه با فناوری‌های جدید نیاز به تفسیر و به‌روزرسانی دارند. این بخش نشان می‌دهد که به همان اندازه که استفاده نادرست از AI می‌تواند مشکل‌ساز باشد، استفاده نکردن از آن نیز می‌تواند به معنای نقض وظیفه حرفه‌ای باشد.

Duty of Competency



کتاب با «Duty of Competency» شروع می‌کند. طبق قواعد انجمن وکلای آمریکا، وکیل باید در استفاده از فناوری‌های مرتبط با انجام وظایف حرفه‌ای، «دانش و مهارت کافی» داشته باشد. در سال‌های اخیر، بسیاری از ایالت‌ها این الزام را به‌طور صریح شامل فناوری کرده‌اند.

Duty of Communication



در بخش «Duty of Communication»، فصل توضیح می‌دهد که وکیل باید مشتری را درباره روش‌های استفاده از فناوری آگاه کند؛ به‌ویژه زمانی که ابزارهای هوش مصنوعی در جمع‌آوری یا پردازش داده‌ها نقش دارند.

Duty to Supervise



کتاب توضیح می‌دهد که قوانین قدیمی درباره «عدم مجوز برای انجام کار حقوقی» (UPL) اکنون باید درباره نرم‌افزارها نیز اعمال شوند. در پرونده Lola v. Skadden دادگاه اعلام کرد اگر کاری کاملاً می‌تواند توسط ماشین انجام شود، آن کار «عمل حقوقی» محسوب نمی‌شود.

Duty of Loyalty



در ادامه، کتاب به «Duty of Loyalty» می‌پردازد و این پرسش را مطرح می‌کند که اگر AI با داده‌های یک مشتری آموزش داده شده باشد، آیا می‌توان همان مدل را در پرونده‌ای علیه همان مشتری استفاده کرد؟

مسئله سوگیری (Bias) در AI

فصل سپس به موضوع «bias» می‌پردازد. AI می‌تواند بر اساس داده‌های ناقص، تبعیض‌آمیز یا نادرست، نتیجه‌گیری اشتباه کند. نویسندگان مثال‌هایی از سوگیری در تحلیل قراردادهای پیش‌بینی قضایی و دیگر حوزه‌ها ارائه می‌کنند. این بخش هشدار می‌دهد که وکلا مسئول‌اند نتایج AI را بررسی کنند و صرفاً به خروجی سیستم اعتماد نکنند.

در پایان، کتاب تأکید می‌کند که **اخلاق فناوری مسئله‌ای یک‌باره نیست و به بررسی دائمی نیاز دارد**. با پیشرفت سریع AI، استانداردهای حرفه‌ای باید دائماً بازنگری شوند. وکیل باید از خطرات جدید و تغییرات قانونی آگاه باشد، زیرا در آینده بخش قابل‌توجهی از مسئولیت حرفه‌ای او در گرو نحوه استفاده—یا عدم استفاده—از فناوری خواهد بود.

کشف الکترونیک و تحلیل قرارداد: دو انقلاب بزرگ AI در حقوق

روند کشف اسناد AI وقتی eDiscovery: را متحول کرد

فصل هفتم با مرور تجربه نویسنده در حوزه eDiscovery آغاز می‌شود و توضیح می‌دهد که چگونه جست‌وجو و ارائه اسناد در دعاوی حقوقی طی سال‌ها از یک فرایند کاملاً دستی و پرهزینه به یک فعالیت داده‌محور و مبتنی بر هوش مصنوعی تبدیل شده است.

کتاب توضیح می‌دهد که فناوری‌های هوش مصنوعی، به‌ویژه Technology Assisted Review (TAR)، این فرایند را کاملاً دگرگون کردند. ابزارهای جدید می‌توانند الگوهای مرتبط را از میان میلیون‌ها سند پیدا کنند، شباهت‌ها و تفاوت‌ها را تشخیص دهند و مجموعه‌هایی از اسناد را برای بازبینی انسانی اولویت‌بندی کنند.

تحلیل قرارداد: وقتی قراردادها تبدیل به «سرمایه سازمان» می‌شوند

فصل دهم با این توضیح آغاز می‌شود که قراردادها مهم‌ترین اسناد تجاری هستند و تقریباً همه روابط کسب‌وکار-از مشتری و تأمین‌کننده تا کارمند، سرمایه‌گذار و دولت-در قالب قرارداد شکل می‌گیرد.

کتاب توضیح می‌دهد که هوش مصنوعی چگونه این روند را تغییر داده است. ابزارهای تحلیل قرارداد با استفاده از یادگیری ماشین می‌توانند بندهای کلیدی را شناسایی کنند، مفاهیم را استخراج کنند و تفاوت‌ها را میان نسخه‌های مختلف قرارداد نشان دهند.



افزایش دقت و سرعت

این تحول باعث شد سرعت، دقت و کارایی مرور اسناد افزایش یابد و هزینه رسیدگی به دعاوی بزرگ کاهش پیدا کند.



حذف موارد غیرمرتبط

این ابزارها از تکنیک‌هایی مانند شناسایی نهادها، تعیین ارتباط، تحلیل مفهومی و یادگیری نظارت‌شده استفاده می‌کنند.



شناسایی الگوها

می‌تواند زبان طبیعی را تحلیل کند، AI معنای اسناد را بفهمد و بر اساس زمینه موضوعی آن‌ها را دسته‌بندی کند.

فصل با این پیام به پایان می‌رسد که تحقیق حقوقی در آینده بسیار محاسباتی‌تر خواهد بود، و وکیلانی که از AI استفاده نکنند نسبت به سایر رقبا در موضع ضعف قرار خواهند گرفت.

هوش مصنوعی در تحقیقات حقوقی و پیش‌بینی رأی

تحقیقات حقوقی: دسترسی برابر به اطلاعات برای همه

فصل هشتم با این توضیح آغاز می‌شود که تحقیق حقوقی یکی از بنیادی‌ترین وظایف وکلاست؛ وظیفه‌ای که می‌تواند سرنوشت دعاوی بزرگ را تغییر دهد، آزادی فردی را رقم بزند یا منافع یک شرکت را حفظ کند. نویسندگان اشاره می‌کنند که وکلا تقریباً ۲۰٪ از زمان کاری‌شان را صرف تحقیق می‌کنند، زیرا نظام حقوقی مبتنی بر رویه قضایی، یافتن پاسخ درست را دشوار و زمان‌بر کرده است.

تحول در هسته جست‌وجو	بهبود خلق و مدیریت پایگاه داده	تولید اسناد حقوقی
هوش مصنوعی توانسته است درک کند که وکیل «چه می‌خواهد» نه اینکه فقط «چه واژه‌ای تایپ کرده». ابزارهای جدید می‌توانند مفهوم یک مسئله حقوقی را بفهمند، پرونده‌های مرتبط را استخراج کنند و حتی به‌طور هوشمند پیشنهاد دهند چه منابعی باید بررسی شوند.	کتاب توضیح می‌دهد که پیش‌تر، تیم‌های انسانی مجبور بودند پایگاه‌های حقوقی را به‌صورت دستی برچسب‌گذاری، طبقه‌بندی و به‌روز کنند. اکنون AI قادر است حجم عظیمی از داده‌ها را پردازش کرده، موضوعات را استخراج کند، بخش‌های مهم آن را تشخیص دهد.	در بخش پایانی، فصل به یکی از مهم‌ترین جهش‌ها اشاره می‌کند: استفاده از AI برای تولید اسناد حقوقی. این فناوری می‌تواند خلاصه‌های قضایی، پیش‌نویس استدلال‌ها و حتی تحلیل‌های اولیه را ارائه دهد.

تحلیل دادرسی و پیش‌بینی رأی: از داده تا پیش‌بینی رأی

فصل نهم با معرفی نویسنده مهمان این فصل آغاز می‌شود؛ فردی که تجربه مستقیم در توسعه و استفاده از ابزارهای «تحلیل دعاوی» دارد و توضیح می‌دهد چرا این حوزه یکی از مهم‌ترین تحولات هوش مصنوعی در حقوق است. او اشاره می‌کند که داده‌های موجود در نظام قضایی—از آرای صادرشده تا رفتار قضات و نتایج پرونده‌ها—سال‌ها به‌صورت خام باقی مانده بود و تنها به‌صورت محدود و سنتی تحلیل می‌شد.



تأثیر بر وکلا: نویسندگان توضیح می‌دهند که این ابزارها باعث تصمیم‌گیری دقیق‌تر شده‌اند. طرفین دعوا می‌توانند با داده‌های روشن‌تر وارد مذاکره شوند، اختلاف‌نظرها کاهش پیدا می‌کند و بسیاری از پرونده‌ها به‌جای رفتن به دادگاه، سریع‌تر به توافق می‌رسند.

فصل توضیح می‌دهد که تحلیل‌های پیش‌بینی‌کننده نه تنها باعث افزایش سازش در دعاوی می‌شود، بلکه حتی «اختلافات بالقوه» را نیز کاهش می‌دهد. وقتی طرفین بدانند احتمالاً رأی دادگاه چه خواهد بود، بسیاری از اختلافات اصلاً تبدیل به دعوا نمی‌شوند.

سیستم‌های خبره: ابزارهای تصمیم‌یار برای وکلا و شرکت‌ها

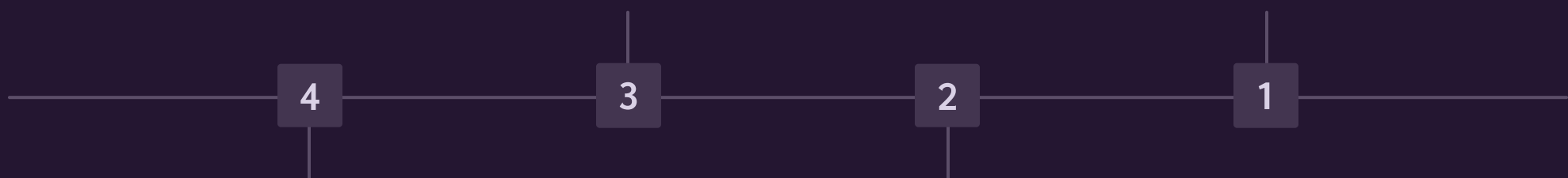
فصل یازدهم با مروری بر پیشینه شکل‌گیری شرکت Neota Logic آغاز می‌شود. نویسندگان این فصل توضیح می‌دهد که چگونه تجربه او در حوزه حقوق و فناوری منجر به ایجاد یک سیستم خبره شد؛ سیستمی که هدف آن پاسخ‌گویی خودکار به پرسش‌های پیچیده حقوقی از طریق ترکیب منطق نمادین و الگوریتم‌های محاسباتی بود. این فصل نشان می‌دهد که سیستم‌های خبره یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین کاربردهای AI در حقوق هستند.

مدل‌سازی تصمیم‌گیری

در بخش «چه چیزی سیستم‌های خبره را متمایز می‌کند؟»، کتاب توضیح می‌دهد که این ابزارها قادرند فرآیند تصمیم‌گیری یک وکیل را مدل‌سازی کنند. آن‌ها مجموعه‌ای از قوانین، مسیرهای تصمیم و منطق حقوقی را در قالب درخت‌های تصمیم یا شبکه‌های منطقی ذخیره می‌کنند.

ترکیب با فناوری‌های دیگر

در ادامه، فصل به نقش ترکیبی سیستم‌های خبره و دیگر فناوری‌ها می‌پردازد. مثال‌های ارائه‌شده در کتاب نشان می‌دهد که چگونه این سیستم‌ها می‌توانند با ابزارهای مختلف—از جمله تحلیل قرارداد، داده‌های محاسباتی، صفحات گسترده، مدل‌های پیش‌بینی و موتورهای جست‌وجوی هوشمند—ترکیب شوند.



کاربردهای عملی

فصل سپس به این پرسش می‌پردازد که چه کسانی از سیستم‌های خبره استفاده می‌کنند و چرا. کتاب اشاره می‌کند که شرکت‌ها و مؤسسات حقوقی از این ابزارها برای خودکارسازی بخش‌هایی از مشاوره حقوقی، ارزیابی ریسک، تطبیق مقررات و پاسخ‌گویی به سوالات پرتکرار استفاده می‌کنند.

آینده سیستم‌های خبره

در بخش پایانی، فصل تأکید می‌کند که آینده سیستم‌های خبره به سمت سادگی و تجربه کاربری بهتر حرکت می‌کند. ابزارها در حال تبدیل شدن به پلتفرم‌هایی «بدون نیاز به کدنویسی» هستند، تا وکلا و سایر متخصصان بتوانند بدون دانش فنی، مدل‌های تصمیم‌گیری خود را بسازند.

کتاب اشاره می‌کند که سیستم‌های خبره به تدریج مانند Excel برای تحلیل‌گران مالی، به ابزاری روزمره برای وکلا تبدیل خواهند شد.